

مشاهده یک مورد گوهاله آکوندروپلاستیک (بولداگ) در گاو میش

A Case of Achondroplastic

(Bull - dog) Calf in Water Buffaloes.

پدکتر سید مرتضی علوی شوشتری

شرح حال بیمار :

بیمار گاو میش ماده‌ای از نژاد گاو میش‌های محلی خوزستان به سن تقریبی ۳ سال بود که در تاریخ ۶۵/۴/۱۸ بدرمانگاه دانشکده مراجعه کرده بود و برای دومین بار زایمان میکرد. زایمان اول حیوان بدون اشکال و بطور طبیعی انجام شده بود. زایمان دوم آن محصول جفت‌گیری با گاو میش نری بود که قبل از در محل وجود داشته و با سایر گاو میش‌های ماده جفت‌گیری مینموده است و این مورد اولین عجیب‌الخلقه‌ای بود که در محل مشاهده میشد. تاریخچه بیماری از این قرار بود که از نیمه‌های شب گذشته علائم شروع زایمان ظاهر شده بودند. صبح همانروز مرحله دوم زایمان با خروج سرگوساله شروع شده و در همان مرحله متوقف شده بود و علیرغم زور زدن حیوان هیچگونه پیشرفتی حاصل نشده بود. صاحب دام با مشاهده صورت غیر طبیعی گوساله و حصول اطمینان از غیر ممکن بودن زایمان طبیعی دام را بدرمانگاه ارجاع کرده بود.

در موقع مراجعه وضعیت عمومی حیوان چندان خوب نبود درجه حرارت راست روده‌ای حدود ۳۷ درجه سانتی‌گراد بود و قلب در هر دقیقه حدود ۱۰۰ ضربان داشت. قسمت خارجی دستگاه تناسلی متورم بود. رباطات لگنی کاملاً شل شده بودند و سرگوساله مرده از فرج حیوان خارج شده بود که از نظر عرض از سرگوساله معمولی خیلی بزرگتر بود. استخوان مینوی رشد ناقص داشت و پوزه تشکیل نشده بود و زبان از شکافی که تقریباً در وسط صورت وجود داشت خارج شده بود که نشانه عدم تشکیل استخوان کام (Palate) نبود. فک‌های بالا و پائین رشد طولی کمتر از اندازه طبیعی داشتند و این باعث کوتاه شدن صورت (Brachycephaly) گردیده بود. با وجود این رشد فک پائین کمی بیشتر از فک بالا بوده پیشانی برآمده بود و لسی و لایپولد (Leipold & Dennis (1980) عنوان کرده‌اند همراه با هیدروسفالوس (Hydrocephalus) نبود. گردن خیلی عضلانی و ضخیم بود بطوریکه تمام مجرای زایمان را پر کرده بود.

در بازرسی مهبلی ، گردن و تنه بسیار حجیمی لمس گردید که قابل عبور از مجرای زایمان نبودند انتهای پاهای قدامی روی لبه لگن لمس گردیدند و چنین بنظر میرسید که پاها تا خورده اند .

از آنجائیکه درجه حرارت بدن حیوان پائین و وضعیت عمومی چندان رضایت بخش نبود انجام عمل سزارین جایز دانسته نشده زیرا احتمال ایجاد شوک در حین عمل جراحی و تلف شدن دام زیاد بود .

برای درمان حیوان ابتدا بیحسی اپی دورال با تزریق محلول ۲٪ لیدوکائین داده شد و بمنظور جلوگیری از شوک مقیدار دولیتر سرم دکستروز - سالین (محلول ۵٪ در نرمال سالین) بطور داخلی وریدی تزریق گردید . سپس با بستن طناب به انتهای پاهای قدامی و سرچنین سعی گردید که عمل زایمان با کشیدن انجام شود ولی بعلت حجم زیاد قفسه صدری جنین پیشرفتی حاصل نشد . در ضمن دریافته شد که پاها بطور مادرزادی کوتاه بوده اند (باندازه تقریباً " یک سوم طول پای طبیعی) و در آنها تا خوردگی وجود نداشت . بناچار تصمیم گرفته شد که زایمان با انجام عمل آمبریوتومی صورت گیرد . بعد از بریدن سرو قسمتی از گردن جنین مشاهده گردید که حجم زیاد گردن بیشتر بعلت وجود بافت فیبری بود تا الیاف عضلانی (برخلاف عارضه Double Muscling) و بهمین دلیل بریدن و جدا کردن آن مشکل بود و در عین حال فاقد مایع بود (برخلاف عقیده Arthur et al, 1982) که گوساله Bull-dog همراه با آنرا ازک و آسیت میبیاشد . توده ظاهراً عضلانی علاوه بر گردن ، تنه و اندام خلفی حیوان را در بر میگرفت و پاهای خلفی هم مانند پاهای قدامی کوتاه بودند .

مسئله ای که آمبریوتومی باین مورد را مشکل میساخت سستی رباطات بود بطوریکه بعد از کشیدن یک قسمت از ضامم بدن حیوان بجای خارج شدن تمام آن عضو فقط همان استخوان کشیده شده جدا و خارج میگردد . در عین حال ، مفاصل باندازه ای سست نبودند که بتوان استخوانها را بآدمت جدا نموده خارج کرد . به همین دلیل عمل آمبریوتومی کاملی که انجام شد فوق العاده طولانی و خسته کننده بود و در عین عمل که حدود ۱۵ ساعت طول کشید دوبار برای جلوگیری از شوک سرم دکستروز - سالین بمقدار یک لیتر بحیوان تزریق گردید و در نهایت تعجب پس از خاتمه عمل وضعیت عمومی حیوان بهتر از موقع ورود آن بدرمانگاه بود . دام مذکور پس از تجویز IU ۱۰۰ اکسی توسین و ۲۵۰ میلی لیتر محلول ۴۰٪ کلونکات کلسیم و یک دوره سه روزه اکسی تتراسیکلین تزریقی بمقدار ۱۲۵۰ میلی گرم در روز مخصی گردید .

عجیب الخقه ای که مشاهده گردید فرم کشنده Bull-dog بود که مبتلایان به آن بدون استثنا مرده متولد میشوند و به نام های کوندرو دیستروفی (Chondrodystrophy) دوارفیزم (Dwarfism) نیز نامیده میشود. بنا به عقیده Blood et al. (1983) این عارضه بصورت یک صفت مغلوب ساده به نسل های بعد منتقل میشود. آمیخته ها دارای اشکال خفیف این عوارض هستند که مورد علاقه بعضی از دامپروران گاوگوشتی میباشد و باین ترتیب عارضه در بین گاوان گسترش مییابد. شناسایی این حیوانات حامل به کمک رادیوگرافی انجام میشود که با وجود دو برجستگی داخل جمجمه ای (Intracranial) و کوتاهی بدنه استخوانهای طویل پاها مشخص میشوند.

عارضه آکوندروپلازی یکی از حالت عجیب الخلقه است که بطور ژنتیکی بوجود آمده اغلب موجب سخت زائی میگردد. شناسایی حیوانات حامل ژن مولد این عارضه و رعایت کامل اصول انتخاب دام نر برای اصلاح نژاد راههای پیشگیری از این عارضه میباشد.

References:

- Arthur, G.H.; Noakes, D.E. and Pearson, H. 1982, In:
Veterinary Reproduction and Obstetrics, 5th ed. p.
87-88, Bailliere Tindall, London.
- Blood, D.C.: Radostits, O.M. and Henderson, J.A. 1983.
In: Veterinary Medicine, 6th ed. p. 1227, Bailliere
Tindall, London.
- Leipold, H.W. and Dennis, S.M. 1980. In: Current Therapy
in Theriogenology (ed. by D.A. Morrow) p. 410-440,
W.B. Saunders, Philadelphia.

A Case of Achondroplastic (Bull-Dog)
Calf in Water Buffaloes.

S.M. ALAVI-SHOUSHTARI

Summary

A case of achondroplastic (bull-dog) calf in a 3-years old indigenous female water buffalo (*Bubalus bubalis*) is reported.

The affected dwarf calf was stillborn with a bulky neck, trunk and hindquarters.

* Depat. of Clinical Sciences, School of Veterinary
Medicine, Chamran University, Ahvas, IRAN.

